

استفاده از انواع چراغها در زمان قدیم در ولسوالی شغنان و دیگر مناطق پامیر

نوشته: رستم "الشکری"



۱۷ حوت ۱۳۹۱

وقتی انسان اولین بار توسط خداوند (ج) خلق شده بود، بسیار به مشکل زنده گی میکرد و از هیچ نوع سهولت زنده گی برخوردار نبود. همیشه با مشکلات دست و پنجه نرم میکرد. اما آهسته آهسته این مشکلات روز به روز توسط کارکردن و تجربه گرفتن از روزگار، کاهش مییافت و مردم هر روز از خود چیز های جدید اختراع میکردند تا با مشکلات روزمره مبارزه نموده زنده گی خود را پیش ببرند. به همین منوال انسانها در تمام نقاط کره زمین جای گزین شدند و شروع به زنده گی عادی شان نمودند. بلاخره ما از منطقه ای نام میبریم که هر کس نامش را بشنود در دل و ذهنش محبت جای می گیرد و مشتاق دیدارش می گردد که نام آن پامیر زیبا و زیبا پسند میباشد. در پامیر انسانهای زنده گی میکنند که رگ رگ آنها با احساس، محبت و عاطفه آمیخته شده که از هر قدم و سخن آنها بوی دوستی انعکاس میابد. ناحیه شغنان هم منطقه ای است در پامیر موقعیت دارد، مردم آن مانند دیگر افراد جامعه از گزند روزگار تلخ در امان نبوده و همواره با مشکلات زنده گی مبارزه کرده اند. مردم این منطقه در زمانهای بسیار پیش بخاطر بهتر زیستن؛ از فکر و ذهن خود هر نوع وسیله را اختراع مینمودند، تا مشکلات شان کاهش یابد. یکی از این اختراعات مردم این منطقه، "چراغ" میباشد که بدون چراغ سپری کردن شب تاریک بسیار سخت است، یعنی پیش از این اختراع، مردم مجبور بودند که نان و خوراک شبانه شان را پیش از رسیدن شب نوش جان کنند و استراحت نمایند. اما وقتی چراغ اختراع شده خود شان را مورد استفاده قرار دادند، یک قسمت مشکلات شان کم شد و اولین چراغ اختراع شده این مردم "لوبسکک" (...)

لوبسکک چراغیست که در روشن کردن آن از "چلیک" (پوست درخت) و توته های چوب استفاده میکردند، و بالای یک نقطه یی جای بلند این اشیا را آتش زده و از روشنی آن مستفید میگردیدند. با این نوع چراغ کمی تغییرات در زندگی شان بوجود آمد تا نان و خوراک خود را شام یا خفتن صرف نمایند. اما با وجود این هم، قناعت مردم فراهم نشد و همواره سعی و تلاش نمودند تا یک چراغ بهتر و خوبتر اختراع کنند که از نگاه کمیت، کیفیت و ظرفیت خوبتر و سهولت بیشتر داشته باشد. بلاخره یک نوع دیگر از چراغ را آماده ساختند که عبارت از "سفید خراو" (چراغ سفید) میباشد. سفید خراو؛ چراغیست که دورا دور یک چوب باریک یا خمچه که طول آن یک متر باشد، تکه سفید پیچانده میشود و در "ساکنک" (جای نصب همین چراغ که از چوب ساخته شده) که جای خاصش میباشد، گذاشته میشود و از روشنی آن مستفید میشدند. بعد از مدت نه چندان دور، مردم با همین طرز فکر خود باز دست به کار شدند و یک نوع چراغ دیگری را بوجود آوردند که عبارت از "تیر خراو" (چراغ سیا) می باشد. تیر خراو؛ چراغیست که ساخت آن از "لهتاک" (گیاه هرزه روغندار) و "بنینچ" (...) یعنی نبات بلندی است که درازی آن تقریباً در حدود 2 متر است و در کشتزارها می روید، میباشد. این لهتاک توسط دو سنگ؛ یکی زیر که شکل مستوی، دیگرش شکل کلوله را دارا میباشد که در بالایش قرار میگیرد، زیاد شکیده و نرم میشود، تا زمانی که روغن این گیاه بیرون شود، و بعداً بمقدار لازمش دورا دور بنینچ چسپانده میشود.

همچنان از "کنجاره" هم تیر خراو تهیه میشود. کنجاره عبارت از مواد شکیده شده خسته تلخ است که روغن آن کشیده میشود و برای خوردن استفاده میگردد و باقیمانده مواد بیکاره را تیر خراو میساختند. این چراغ هم، در ساکنک جای میگرفت و از روشنی آن استفاده میشد. همچنان مردم محل درک کردند و این چراغ را ترجیح دادند که بسیار مفید است. بعد از سال های سال، مردم باز هم یک تصمیم جدید گرفتند و یک فکر تازه در ذهن شان ظهور نمود که باید یک نوع چراغ جدید را بوجود بیاورند تا از لحاظ اندازه خوردتر و انتقال آن از یک جا به جای دیگر آسانتر باشد. این نوع چراغ هم اختراع شد و نام آن را "پلک" (...) گذاشتند. پلک چراغیست که در آن از روغن و پخته استفاده میشود که از پخته یک پلته کوچک میساختند و در داخل روغن که در یک ظرف خاص که برایش از گل میساختند گذاشته میشود و این پلته را روشن میساختند و از روشنی آن استفاده میکردند. این چراغ برای صحت بسیار مفید بود.

همچنان بعد از مدت نه چندان دور وقتی که راه تیل باز شد و تجارت تیل آهسته آهسته شروع گردید، بار دیگر مردم این محل در فکر آماده ساختن چراغی از نوع دیگر شدند، که در آن باید از تیل استفاده شود، این چراغ را "**شیطانک**" (شیطان چراغ) نام گذاری کردند. شیطانک؛ چراغیست که در شکل دهی آن از پخته، تیل و بوتل شیشه‌ی استفاده میشود، که آن را اینطور میساختند: از پخته پلته میساختند به اندازه یک متر و این پلته در داخل تیل بوتل جابجا میشد و سرپوش آهنی بوتل را سوراخ میکردند و نوک پلته را از داخل بوتل به اندازه یک سانیمتر یا کمتر از آن، از سوراخ سرپوش بوتل بیرون میکشیدند و گره محکم میزدند، این اندازه گره شده بیرون سرپوش را، روشن نموده و مورد استفاده قرار میدادند. در آن زمانها اولین نوع بوتلی که در دسترس مردم قرار داشت، بوتل رنگ بوت پاکستانی بود و بعداً بوتلهای شربت که برای شیطانک از آن کار میگرفتند.

به این ترتیب مردم این محل بالای مشکلاتی که از ناحیه فقدان چراغ روشن کن خانه داشتند آهسته آهسته رو به بهبود نهاد و بر مشکلاتی از این ناحیه غالب شدند. راهای تجارت باز شد و یک تعداد مردم که اقتصادشان نسبتاً خوبتر بود به بازار و شهر راه پیدا کرده بودند و اولین بار متوجه **الکین** شدند، و فکر کردند این نوع چراغ میتواند مشکل مردم را خوبتر حل نماید و اینطور هم شد، چون همراه با روشنی الکین هر جا رفته میتوانستند و از آن استفاده میکردند، اما با چراغهای اختراع شده خودشان نتوانستند بیرون از خانه هر جا بروند، زیرا شمال و باد آن را خاموش میکرد.

بالآخره اکثریت مردم به الکین دسترسی پیدا نمودند و مورد استفاده شان قرار گرفت. بعد از مدت نه چندان طولانی، آن تعداد افرادی که از اقتصاد خوبتر بر خوردار بودند به چراغی که در زمانهای اخیر، عصریترین و جدیدترین نوع چراغ در افغانستان بود، دسترسی پیدا کردند آن عبارت از **گیس** میباشد. از این چراغ اکثراً در عروسیها که از طرف شب برگزار میگردد از آن استفاده میکردند. برای هر فردی که مراسم عروسی میداشت، این چراغ (گیس) را برایش بشکل همکاری کمک کردند تا از آن در روشن ساختن محفل عروسی خویش کار بگیرند. در سال های اخیر اکثریت مردم محل در خانه های خویش شبانه از روشنی گیس مستفید میشدند. امروز خوشبختانه در این ولسوالی زیبا (شغنان)، مردم دسترسی به انرژی برق ۲۴ ساعته دارند که در هر خانه غریبانه این سرزمین، روشنی

برق نور افشانی میکند، در هر قریه و دهکده این ولسوالی، روشنی انرژی برق در جالایش است. اکنون مردم از نعمت روشنی کاملاً برخوردار میباشند. از خداوند (ج) بسیار سپاسگذار هستم که تمام شرایط زندگی خالی از مشکلات روزمره را، برای مردم عزیزم ارزانی داشته است.